



جنگ عراق و ایران؛ درک‌ها و رویکردها

امیر دریابان علی شمخانی

تنظیم: امیرمحمد حکمتیان*

<p>مراسم افتتاحیه دومین دوره اردوی انتقال فرهنگ و تجارب دفاع مقدس، یکشنبه ۱۳۹۵/۰۲/۰۵ در دانشگاه جامع امام حسین^(ع) برگزار شد. در این مراسم، دریابان علی شمخانی ضمن تشریح مقاطع و مراحل جنگ تحمیلی، توضیحاتی را درباره درک فرماندهان از شروع جنگ و رویکردهای موجود پس از جنگ برای دانشجویان بیان کرد. دریابان علی شمخانی در سخنرانی خود به این موضوعات پرداخت: تلقی جامعه از جنگ، چگونگی تحلیل و تفسیر جنگ، اهداف عراق از حمله به ایران، نداشتن دریافت صحیح برخی سیاسیون و نظامیان از حمله عراق به ایران، چگونگی شکل‌گیری و رشد سپاه، عوامل مؤثر در پیروزی یا شکست در جنگ، و تفکرات موجود در ایران برای مقابله با دشمن متجاوز. واژگان کلیدی: علی شمخانی، قائم‌مقام فرماندهی کل سپاه، انتقال تجارب فرماندهان، جنگ عراق و ایران، دانشگاه امام حسین^(ع)</p>	<p>چکیده</p>
---	---------------------

تلقی جامعه از جنگ

غلطی است و ما آن را ایجاد کردیم؛ چون بحث‌های حماسی را باب کردیم و از بحث منطقی کم گفتیم. هم خاطره‌گویی‌ها و هم فیلم‌سازی‌ها پر از اغراق و نواقص و نادرستی است. تصویر درستی از چرایی جنگ، چرایی [طرح‌ریزی و انجام] عملیات، چرایی پیروزی و شکست و چرایی ارتش و سپاه ترسیم نکردیم. برخی‌ها رفتارهای امروز ما را می‌بینند و با رفتارهای دیروز ما مقایسه می‌کنند و می‌گویند کدام رفتار درست است.»

امیر دریابان علی شمخانی در ابتدای سخنرانی خود با زبان نقد راجع به تلقی جامعه از جنگ صحبت کرد و گفت: «نظامیان نباید عین تلقی‌ای که در جامعه از جنگ وجود دارد را داشته باشند. تلقی عامه مردم از جنگ این است که یک جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شروع شد و ارتش و سپاه ایران با ارتش عراق مقابله کردند و ۸ سال طول کشید و شب عملیات آهنگران مداحی کرد و غیره. این تلقی در جامعه کاملاً تلقی

* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

چگونگی تحلیل و تفسیر جنگ

ایشان در ادامه درباره چگونگی تحلیل و تفسیر جنگ ایران و عراق گفت:

«تحلیل‌کنندگان بسته به نوع دستگاه فکری، جنگ ما را در مقایسه با جنگ‌های جهان بررسی می‌کنند. یک‌بار هم در مقایسه با جنگ‌ها در ایران (بررسی ایران در جنگ در طول ۲۰۰ سال گذشته) بررسی می‌کنند. یکی هم می‌آید نفس جنگ و خود جنگ هشت‌ساله را بررسی می‌کند. یک‌بار هم در مقایسه با دشمن جنگ را بررسی می‌کند. تفسیرها و تحلیل‌های گوناگونی از جنگ با توجه به دستگاه فکری تحلیل‌کنندگان وجود دارد.»

مراحل جنگ

آقای شمخانی که در سال ۵۹ فرمانده سپاه خوزستان بوده است در ادامه سخنرانی خود با تقسیم‌بندی مراحل جنگ اظهار کرد: «چند مرحله در جنگ داشتیم: ۱. اشغال. ۲. توقف و آزادسازی. ۳. تهاجم (تنبیه متجاوز). یک نفر می‌آید دوره حمله و اشغال را بررسی می‌کند، یک نفر هم دوره توقف و آزادسازی را تحلیل می‌کند، یکی هم می‌آید تعاقب را در جنگ بررسی می‌کند. یک بحث هم با چهار مرحله‌ای بودن جنگ سروکار دارد.»

اهداف عراق از حمله به ایران

این فرمانده در ادامه به چگونگی آماده‌سازی عراق برای حمله به ایران و اهداف آن پرداخت و در این باره گفت: «ارتش عراق طی ۱۹ ماه خود را برای جنگ آماده کرد. سال ۱۳۵۹ بحث نظام دوقطبی

به‌هم‌ریخته بود. ایران در هیچ‌کدام از دو قطب نبود و صدام فرصت را غنیمت شمرد و در سه سطح (سه هدف) به ایران حمله کرد: ۱. حداقل شبه‌جزیره آبادان را از ایران جدا کند. ۲. حد وسط خوزستان را بگیرد. ۳. حداکثر انقلاب ایران را ساقط کند.

عملیات نظامی عراق مبتنی بر این اهداف سیاسی طراحی شد که در جبهه جنوبی، اشغال خوزستان مدنظر بود و محور اصلی حمله به ایران از جبهه جنوبی بود. اشغال خوزستان تعیین‌کننده هر سه هدفی بود که اشاره کردم. توان اصلی عراق در خوزستان متمرکز بود؛ چون منطق سیاسی داشت. در جبهه میانی هدف دورسازی بود؛ چون جبهه میانی کمترین فاصله را با پایتخت عراق داشت و تلاش دشمن برای دورنگه‌داشتن ایران از بغداد بود و به همین دلیل شهرهای قصرشیرین و سرپل ذهاب را برای دورسازی ایران از بغداد اشغال کرد. هدف در جبهه شمالی، درگیرسازی و درگیر نگه‌داشتن بود. مثلاً در کردستان و آذربایجان غربی واحدهای رزمی ما را زمین‌گیر کرد. عراق با ۳ سپاه و ۱۲ لشکر به ایران حمله کرد. ارتش عراق وقتی به دروازه اهواز رسید خاکریز نزد و مین‌گذاری نکرد؛ چون معتقد به ادامه بود، ولی وقتی شبیخون زده شد، خاکریز و موانع ایجاد کرد. در واقع دشمن در اکثر موارد به اهداف تحمیلی رسید، نه به اهداف مدنظر و مطلوب. توقف دشمن دو معنا داشت: یکی توقف به‌معنای ادامه حمله یا توقف ارادی، مثلاً در دب حردان و فارسیات عراق مین‌گذاری نکرد؛ دوم توقف به‌معنای پدافند یا توقف اجباری. توقف اجباری دشمن خارج از اراده او و غیر از نقشه عملیاتی او بود.»



امیر دریابان علی شمخانی قائم‌مقام فرماندهی کل سپاه در دوران دفاع مقدس، دانشکده دفاعی دافوس دانشگاه امام حسین^(ع)، اردیبهشت ۱۳۹۵.

نداشتن دریافت صحیح برخی نظامیان و چگونگی شکل‌گیری و رشد سپاه در جنگ سیاسیون از حمله عراق به ایران

آقای علی شمخانی که مسئولیت قائم‌مقام فرماندهی کل سپاه را در دوران دفاع مقدس برعهده داشته است، به چند نکته مدیریتی در جنگ اشاره کرد و درباره چگونگی رشد تدریجی سپاه گفت:

«جنگ به وجود آقا محسن مدیون است. سپاه که تیپ نداشت؛ در زمان حمله اصلاً تیپ و لشکری نبود. راه‌اندازی این سازمان و ساختار در حین دفع تجاوز و یادگیری، کار بسیار سختی است. طراحی یک سازمان که بشود همه را وارد جنگ کند، کار ساده‌ای نبود. چطور شد که ما بسیج [آقای] امجد را کردیم بسیج سپاه؟ چطور شد که ما سرباز عادی گرفتیم و از آن نیروی مخلص و فداکار درست کردیم؟ شکل‌گیری گام‌به‌گام سپاه مبتنی بر خطوط پدافندی محدود سپاه بود. سیر مراحل شکل‌گیری و ریشه [گرفتن] سپاه بسیار سخت و پیچیده و به تدریج بوده است. در دارخوین گردان‌سازی شروع

آقای شمخانی در ادامه با اشاره به نداشتن درک و دریافت مقامات نظامی و کشوری ایران از حمله عراق و اهداف آن اظهار کرد:

«تلقی فرماندهان از جنگ چه بود؟ تلقی فرماندهان از جنگ این بود که جنگ با عراق جنگ پاسگاهی است. فکر نمی‌شد که صدام با این سه هدف که عرض شد، جنگ را شروع کند، لذا کسی تلقی درستی از جنگ نداشت. ما که نظامی نبودیم، نظامی‌ها قبل از جنگ تصور حمله عراق را نمی‌کردند و می‌گفتند در صورت حمله، صدام شکست می‌خورد. بنی‌صدر می‌گفت جنگ قرار نیست اتفاق بیفتد و صدام حمله نمی‌کند.»

شد، اشغال شروع شد. به صورت تصادفی شبیخون شکل گرفت و توقف دشمن صورت گرفت. حال آیا جنگ را ادامه بدهیم یا ندهیم؟ ادامه جنگ بعد از توقف [دشمن] و آزادسازی یا صلح یا ادامه.»

شد و در مرحله بعد آنها را به استان‌ها وصل کردیم و در مرحله بعد آنها را تبدیل به تیپ و لشکر کردیم و سپس انفکاک استانی انجام شد و در نهایت رقابت بین استان‌ها نیز شکل گرفت. شکل‌گیری این مراحل پراز داستان است.»

تفکرات موجود در ایران برای مقابله با دشمن متجاوز

امیر دریابان علی شمخانی از وجود سه تفکر در ایران برای جنگ با عراق سخن گفت و در این زمینه اظهار کرد:

«سه تفکر در ایران درباره جنگ وجود داشت: یک تفکر این بود که در برابر ۳۰ تانک دشمن باید ۳۰ تانک داشته باشیم و برویم به جنگ دشمن؛ تفکر دوم، جنگ پارتیزانی بود و تفکر سوم، جنگ مردمی و انقلابی. گروه موافق اول چهار عملیات ناموفق داشت و طول کشید تا بفهمد این روش درستی نیست. گروه دوم هم می‌گفتند پارتیزانی بکنیم. [خیلی طول کشید] تا توانستیم ثابت بکنیم که این روش جواب نمی‌دهد و ساختار ندارد؛ این اتفاق راحتی نبود. ما می‌گفتیم باید جنگ را مردمی کنیم. اگر این اتفاق نمی‌افتاد هنوز عراق اطراف ارونه بود. اینکه امام تسلیم نشد، برای این بود؛ چون نیروی مردمی شکل گرفته بود.»

در پایان سخنرانی آقای شمخانی، چند نفر از دانشجویان سؤالاتی را مطرح کردند که بیشتر درباره جنگ در سوریه، حمله عربستان به یمن و اختلافات ایران و عربستان بود که آقای شمخانی به صورت مختصر به آنها پاسخ داد.

عوامل مؤثر در پیروزی یا شکست در جنگ

آقای شمخانی همچنین درباره پیروزی‌ها و شکست‌های ما در جنگ گفت:

«ما در زمین و زمان با ابزار و روشی می‌جنگیدیم که در آن زمان و زمین بر دشمن برتری داشتیم؛ و هر زمان این معادله را رعایت نکردیم باختیم. خیال می‌کنید هزیمت آخر جنگ برای همان مقطع است؟ خیر، برای مراحل قبلی است. اینکه از ۲۰ گردان در طریق‌القدس به ۱۵۰ گردان در بیت‌المقدس رسیدیم و هم‌زمان بازسازی‌های خودی و انهدام دشمن افزایش یافت؛ اگر غیر از این می‌شد دچار عدم‌الفتح می‌شدیم. بین جنگ در مراحل مختلف، راهبرد و سازمان و اداره صحنه، یک رابطه منطقی وجود دارد که باید روی همه آنها منطقی فکر کرد. اگر آن روابط منطقی از تعادل برقرار نباشد، به‌طور طبیعی نمی‌توانیم پیروز شویم. در کشور عراق صدام هم رئیس‌جمهور بود و هم فرمانده نظامی. ما در کشور تعدادی یگان نظامی داشتیم که می‌جنگیدند و یک گروه سیاسی که کشور را اداره می‌کردند و فاصله باهم داشتند، لذا ساختار یک نظام برای پیروزی در جنگ بسیار مهم است. جنگ شروع